

نظم خاورمیانه ای در حال ظهور در پرتو رقابت های چین و امریکا

(۲۰۲۳ - ۲۰۱۷)

فریبرز ارغوانی پیرسلامی^۱

سید محمد میر سلیمانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷

DOI: 10.22034/wasj.2023.416924.1008

چکیده

رقابت آمریکا و چین در سال های اخیر در حوزه های گوناگون گسترش یافته است. از همین جهت ایجاد موقعیت و نفوذ سیاسی برای نقش آفرینی بیشتر و تغییر موازنه به نفع هر یک از قدرت های رقیب در مناطق جهان به یکی از اولویت های دو کشور تبدیل شده است. از جمله مهم ترین این مناطق خاورمیانه با توجه به منابع، بازارهای متنوع و موقعیت استراتژیک است. این مقاله به دنبال تبیین سیاست های آمریکا و چین در قبال نظم در خاورمیانه است. در همین راستا، مقاله پیشرو به دنبال پاسخ به این پرسش است که رقابت امریکا و چین در خاورمیانه چه تأثیری در معادلات و نظم این منطقه داشته است؟ فرضیه پژوهش این گونه است که با توجه به اهمیت تسلط بر نظم خاورمیانه، دو کشور آمریکا و چین در صدد ایجاد نظم مورد نظر خود در خاورمیانه هستند. چین به دنبال ایجاد نظم درونزا در مقابل نظم برونزا مورد نظر آمریکا در سال های اخیر خاورمیانه است. سیاست مبتنی بر احاله مسئولیت توسط آمریکا در خاورمیانه و الگوی همکاری چین و کشورهای عربی برای ایجاد نظم در خاورمیانه از مهم ترین این سیاست ها برای تسلط بر نظم این منطقه است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و در چارچوب نظریه واقع گرایی تهاجمی نگارش شده است. نتیجه ملموس در مورد نظم جدید خاورمیانه در سایه رقابت چین و آمریکا این است که قدرت های بزرگ، به ویژه ایالات متحده، کنترل خود را در این مکان از دست داده اند و هیچ کس دیگر در تلاش برای تحمیل سیستم های جدید حکومتی بر کشورهای این منطقه نیست. آنها در راستای منافع خود عمل می کنند، نه اینکه برای ایجاد توازن مجدد در روابط بین المللی خود، طرفی را اتخاذ کنند.

کلید واژه: دریای مدیترانه، ترکیه، اسرائیل، منابع هیدروکربنی، امنیت منطقه ای، آینده پژوهی.

۱. مقدمه

سیاست خارجی ایالات متحده در حال تغییر در اولویت ها است و پویایی قدرت جهانی با آن تغییر می کند. پس از یک دوره نفوذ طولانی مدت در خاورمیانه، ایالات متحده از کاهش علاقه خود به منطقه خبر داده است. در عوض، چین به عنوان کانون جدید ظاهر شده است. هم چین و هم خاورمیانه این تغییر را به رسمیت می شناسند. با استراتژی های جدید آمریکا در خاورمیانه نقش این کشور در حل اختلافات کشورهای منطقه در

۱ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ایمیل: farghavani@shirazu.ac.ir (نویسنده مسئول)

۲ کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی

دوران ترامپ و بایدن کم‌رنگ شده است. بر خلاف آن، چین به‌عنوان یک قدرت جهانی قدرتمند و یکی از رقبای اصلی ایالات متحده، از سال ۲۰۱۳ به‌طور فزاینده‌ای در منطقه فعال بوده است. احیای اخیر روابط بین عربستان سعودی و ایران در ۱۰ مارس ۲۰۲۳ فرصتی نویدبخش برای چین برای پیشبرد منافع خود در منطقه با حمایت از تلاش‌ها برای آشتی و ثبات است. در سال‌های اخیر، چین سیاست خارجی فعالانه‌ای را در قبال خاورمیانه اجرا کرده است که نفوذ آمریکا در منطقه را به چالش می‌کشد. چین به‌عنوان یک صلح‌طلب در خاورمیانه خود را نشان داده است. درحالی‌که ایالات متحده، خسته از دهه‌ها جنگ و تحولات در خاورمیانه، به دنبال محدود کردن دخالت خود در این منطقه است، چین در حال تعمیق روابط خود با دوستان و دشمنان واشنگتن در سراسر منطقه است. این تحول نشان می‌دهد که چین در حال ایجاد نظم منطقه‌ای خود در منطقه خاورمیانه است. آمریکا سیاست «هدایت از پشت سر»^۱ که مبتنی بر احاله مسئولیت تأمین منافع به کشورهای دوست است را سرلوحه عملکرد خود در خاورمیانه قرار داده است. در چارچوب «سند سیاست عربی چین»^۲ که مبتنی بر «الگوی همکاری ۱، ۲ و ۳»^۳ به ترتیب اولویت در منطقه، یعنی تأمین امنیت انرژی (۱)، سرمایه‌گذاری و تجارت (۲) و توسعه همکاری‌های هسته‌ای (۳) است پکن عملکرد خود را در منطقه سامان داده است. واشنگتن به تمرکز بر مسائل امنیتی و همکاری‌های دفاعی ادامه می‌دهد درحالی‌که پکن به برنامه تجاری و سرمایه‌گذاری محور خود پایبند خواهد بود. این به این دلیل نیست که رهبران چین و به‌ویژه آمریکا خواهان تغییر نیستند. نسبتاً، عوامل داخلی و بین‌المللی تولید جایگزین‌هایی را برای رویکرد کنونی واشنگتن و پکن دشوار می‌سازد. امروزه رفتار آمریکا در منطقه به‌طور فزاینده‌ای تحت تأثیر روند روابط چین و آمریکا قرار دارد. به این ترتیب، کشورهای خاورمیانه فشار فزاینده‌ای را برای پیوستن به تلاش‌ها برای مهار چین احساس می‌کنند. خاورمیانه از گذشته تا کنون درگیر مناقشات و تعارضات گوناگونی بوده است. این تعارضات موجب شده است که کشورهای منطقه برای حفظ امنیت خود به دنبال تکیه بر قدرت‌های بزرگ جهانی باشند. در طول جنگ سرد و بعد از آن بسیاری از کشورهای منطقه برای حفظ امنیت خود به آمریکا تکیه کردند. همین سبب حضور گسترده نظامی آمریکا و ایجاد پایگاه‌های نظامی این کشور در خاورمیانه شد. این در حالی است که چین طور سنتی از دخالت عمیق خود در تلاش برای حل مناقشات جهانی تردید داشت. به نظر می‌رسد که چین رؤیای بزرگی در این زمینه دارد. پکن ابتکار امنیت جهانی خود را باهدف «حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و اختلافات بین کشورها از طریق گفتگو و مشورت» آغاز کرده است. در این مقاله به رقابت چین و آمریکا با توجه به اتحادها، ائتلاف‌ها، میانجیگری و امنیت شکل گرفته توسط هریک از قدرت‌های رقیب در منطقه خاورمیانه می‌پردازیم.

مبانی نظری

در ادبیات نظری روابط بین‌الملل، به‌منظور تبیین قطب‌های قدرت و توازن قدرت معمولاً مکتب (رتالیستی) که استدلال می‌کند تمرکز قدرت مهم‌ترین رکن ادامه هژمونی در نظام تک‌قطبی خواهد بود مدنظر قرار می‌گیرد. دیگر قدرت‌ها نیز برای رقابت با قدرت هژمون نیاز به افزایش توانایی خود در ابعاد نظامی - اقتصادی چه در داخل چه در خارج دارند (Mearsheimer, ۲۰۰۱: ۲۹). چهارچوب نظری در نظر گرفته شده برای این پژوهش واقع‌گرایی تهاجمی است. جان میرشایمر یکی از این بدبین‌ها و مسلماً یکی از برجسته‌ترین بدبینان به «ظهور صلح‌آمیز» چین است (اشاره به سیاست خارجی چین که به دنبال کاهش مکتب فکری «تهدید چین» است).^۱ پشتوانه بدبینی او نسبت به ظهور مسالمت‌آمیز چین، فرمول‌بندی قانع‌کننده‌ای از رتالیسم تهاجمی است. هدف این پژوهش بررسی رقابت آمریکا و چین در نظم خاورمیانه در چهارچوب نظریه رتالیسم تهاجمی میرشایمر است. مبنای منطقی منسجمی برای این دیدگاه فراهم می‌کند که ظهور چین چه پیامدهای در خاورمیانه در

1 Leading from behind

2 China Arab policy paper

3 cooperation pattern 1,2,3

پی خواهد داشت. در پاسخ به این سؤال، نظریه میرشایمر همان‌طور که در تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، نوشته‌های قبلی (۱۹۹۰، ۱۹۹۵) و نوشته‌های خاص او در مورد موضوع ظهور چین (۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۱۰) ارائه شده است، ارزیابی خواهد شد.

خاورمیانه: از نظم مستقر تا نظم در حال ظهور

دریاسالار آلفرد تایر ماهان، استراتژیست بزرگ نیروی دریایی آمریکا بود که برای اولین بار غرب آسیا و شمال آفریقا را «خاورمیانه» نامید. همان‌طور که او دید، این منطقه بین «خاور نزدیک» یعنی اروپا و آمریکا که «خاور دور» آن، به معنای هند بود. خاورمیانه جایی است که آفریقا، آسیا و اروپا به هم می‌رسند. این ژئوپلیتیک خاص دلیل اصلی قرارگرفتن آن در مرکز بسیاری از حوادث تاریخ بشر است. تعامل استراتژیک بین شمال آفریقا، غرب و آسیای مرکزی و اروپا شدید بوده است. هم در جنگ جهانی دوم و هم در جنگ سرد، میدان‌های جنگ در این مناطق ارتباط نزدیکی با هم داشتند. در خاورمیانه همه نوع نظم منطقه‌ای و جهانی برقرار شده و سرانجام از میان برداشته شده است.

به‌راستی با فریادهای دادخواهی از خاورمیانه برای سرنگون سازی نظم منطقه‌ای یا جهانی در چهارچوب چشم‌اندازی جهان‌شمول جهان خو گرفته است. مطلق‌گرایی پیامبرانه همواره در خاورمیانه رواج داشته؛ خاورمیانه‌ای که هم اکنون در کشاکش میان رؤیای فخر و شکوه دیرینه خویش، از یک سو، و ناتوانی امروزین خویش در وحدت بر پایه اصول مشترک مشروعیت جهانی و منطقه‌ای، از سوی دیگر، گرفتار است. در هیچ کجای دیگر مسئله نظم جهانی بدین بغرنجی نیست، نه از نظر ساماندهی نظم منطقه‌ای و نه از نظر تضمین سازگاری این نظم منطقه‌ای با صلح و پایداری در دیگر نقاط جهان. ظاهراً تقدیر خاورمیانه در زمانه ما این است که پیش از رسیدن به مفهومی ثابت از نظم جهانی، همه تجربه‌های تاریخی خود را یکجا بیازماید؛ تجربه‌هایی چون امپراتوری جنگ مقدس، سلطه بیگانگان، و جنگ فرقه‌ای میان همگان (کسینجر، ۱۳۹۶: ۱۰۹). در ادامه به بررسی نظم منطقه‌ای برون‌زا مستقر و نظم درون‌زا در حال شکل‌گیری در منطقه خاورمیانه می‌پردازیم.

ایالات متحده از پایان جنگ جهانی دوم یک بازیگر کلیدی در خاورمیانه بوده است، درحالی‌که نظم منطقه‌ای بیشتر تحت سلطه ایالات متحده و متحدانش بود. آمریکا میانجی‌گر صلح میان مصر و اسرائیل بود. با اسرائیل، عربستان سعودی، ترکیه و از اواسط دهه ۱۹۷۰ با مصر متحد شده است. تا زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ نیز با ایران متحد بود. در پایان جنگ سرد، ایالات متحده حتی قدرتمندتر (هژمونیک) ظاهر شد.

خاورمیانه در چندین دهه اخیر با نظمی برون ساخته مترتب بر دخالت قدرت‌های بزرگ مدیریت شده است. عدم انطباق این نظم با واقعیت‌های پایدار منطقه یکی از عوامل مهم بی‌ثباتی و مانعی مهم برای برقراری نظم درون‌زاد بوده است. در این شرایط، عوامل گوناگون در سه سطح داخلی از جمله ناهمگونی‌های اجتماعی، نژادی و مذهبی، دولت‌های ناکارآمد و نفوذپذیر، چرخش پرتنش نخبگان و توزیع نامتناسب قدرت و ثروت؛ در سطح منطقه‌ای نارضایتی از موازنه قوای منطقه‌ای، رقابت برای برتری منطقه‌ای و فقدان اجماع بر سر الگوی نظم منطقه‌ای؛ و در سطح بین‌المللی مداخله و چالش برای نفوذگذاری خارجی سبب چالش، تنش و بی‌ثباتی مستمر تشدید تنش بوده‌اند. در سال‌های اخیر ترکیب عوامل در این سه سطح ضمن تشدید تنش سبب تغییر نقش‌ها، موازنه‌ها و وضعیت ثابت در منطقه شده است. انباشت چالش‌ها سوق به تغییرات سیستمی از جمله تغییر نظم‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای دارد. نشانه‌های این تحول در تغییر مولفه‌های نظم منطقه‌ای از ساخت قدرت تا کارگزار و الگوهای هنجاری و ارتباطی دیده می‌شود (نوری، ۱۳۹۹: ۸۶).

هیچ کشور خاورمیانه به‌اندازه کافی قدرتمند نیست که بر همسایگی نزدیک خود تسلط داشته باشد یا حتی به شکل قاطعی بر همسایگی خود شکل دهد، چه رسد به منطقه. کشورهایی که دارای قابلیت‌های نظامی هستند ممکن است فاقد منابع مالی مناسب، قدرت ماندگار یا جذابیت بین‌المللی برای طرح قدرت و گسترش نفوذ مستقل باشند. آسیب‌پذیری‌های داخلی، چه از نظر انسجام اجتماعی یا منابع، اغلب مانع از ارائه راه‌حل‌های

امنیتی، سیاسی و اقتصادی برای برخورد با چالش‌های منطقه شده است. باتوجه به تنوع این چالش‌ها، از جمله انسجام اجتماعی ضعیف و حکومت‌داری، ایدئولوژی فراملی، بازیگران مسلح غیردولتی، موشک‌ها، سلاح‌های متعارف و تهدیدات ژئواکونومیک این کشورها به سمت شرکت در اتحادها و ائتلاف‌های ایجاد شده توسط قدرت‌های بزرگ سوق پیدا می‌کنند (IISS, ۲۰۲۱).

از دهه ۱۹۹۰ پس از فروپاشی شوروی، روند یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده در عرصه‌های مختلف جهانی تشدید شد و به تدریج واکنش‌گن مداخله خود در همه عرصه‌ها را عمیق‌تر کرد. این سیاست در دوره ریاست‌جمهوری «دونالد ترامپ» در آمریکا به اوج رسید، به گونه‌ای که کشورهای جهان را از تکروی‌های کاخ سفید خسته و بیزار ساخت. از حدود یک دهه قبل تعدادی از کشورها که این شرایط را پیش‌بینی کرده بودند، برای ایجاد اتحادهای با قدرت‌های دیگر دست‌به‌کار شدند. اکنون تقریباً در هر حوزه جغرافیایی گروهی از کشورها ائتلاف‌های سیاسی و اقتصادی خرد و کلان را تشکیل داده‌اند تا بتوانند با هماهنگی بیشتر منطقه‌ای، اهداف خود را تا حد امکان بیشتر برآورده سازند (عباسی نسب، ۱۴۰۰: ۲).

پویایی دهه گذشته خاورمیانه موجب همسویی و مشارکت‌هایی شده است که تصور آن تا چند سال قبل بعید به نظر می‌رسید. تشدید تنش‌های منطقه‌ای، کاهش محسوس حضور ایالات متحده و نبود چارچوب‌های امنیتی کافی، انگیزه‌ای شد تا مشارکت‌های ویژه‌ای حتی با دولت‌های رقیبی همچون ایران، ترکیه و اسرائیل در دستور کار حکام خاورمیانه قرار بگیرد. در نبود یک قدرت خارجی مسلط یا سازمان چندجانبه معتبر، به گروه‌بندی‌های مفید برای دولت‌های منطقه در جهت پیگیری منافع تبدیل شده است. از طریق این گروه‌بندی‌ها، دولت‌ها به دنبال افزایش نفوذ، عمق و توانایی برای انتشار قدرت و مقابله با رقبا هستند.

در همین حال، روابط دولت بایدن با متحدان و شرکای سنتی - مصر، امارات و عربستان سعودی - همگی تیره شده است. زمانی که ایالات متحده برای مجازات روسیه به دلیل حمله به اوکراین، تحریم‌هایی را اعمال کرد، هیچ یک از این سه کشور با حمایت از آن موافقت نکردند. انتقال چین از ناظر سیاست خارجی به فعال نباید غافلگیرکننده باشد. از آنجایی که منافع اقتصادی چین در خارج از کشور به طور قابل توجهی رشد کرده است، از این توان اقتصادی برای پیشبرد برنامه دیپلماتیک خود استفاده کرده است. این استراتژی جدید رئیس‌جمهور شی، کمتر به یک تغییر لِرزه‌ای در نظم جهانی مربوط می‌شود تا تغییر در دیدگاه خود چین از نقش خود در سطح بین‌المللی (Lehr, ۲۰۲۳: ۲).

تغییراتی که در خاورمیانه در حال وقوع است بخشی از یک تحول گسترده‌تر به سوی نظم جهانی کثرت‌گرایانه‌تر است که در آن امور بین‌المللی بیشتر در سطح منطقه‌ای تنظیم می‌شود تا در سطح جهانی. در مورد خاورمیانه، با کاهش سلطه و نفوذ آمریکا، جهت‌گیری رویدادها توسط قدرت‌های منطقه‌ای و اسلام سیاسی در دست گرفته می‌شود. منطقه‌ای که عادت دارد به دنبال پاسخ به معضلات متعدد خود به ایالات متحده باشد، اکنون برای ایجاد فرایندها و راه‌حل‌های دیپلماتیک خود به چالش کشیده شده است. درحالی که برای انجام این کار تلاش می‌کند، به بقیه جهان یادآوری می‌شود که خاورمیانه آن قدر مهم است که نمی‌توان آن را به حال خود رها کرد. اما بقیه جهان، مانند خود خاورمیانه، هنوز باید خود را برای مقابله با تغییراتی که در آنجا اتفاق می‌افتد، سازماندهی کند. این عواقب به طور بالقوه گسترده و جدی هستند.

چین و خاورمیانه: مطلوبیت‌های نظم منطقه‌ای

با بررسی سابقه اولین تماس‌های چین با این منطقه از اواسط دهه ۱۹۵۰، می‌توان شاهد بود که واکنش چین به موضوع جنگ و رقابت تغییر کرده است. این کشور ابتدا روشی بیشتر تقابلی اتخاذ کرده بود، اما در دهه‌های اخیر از آن عقب‌نشینی کرده است. طی این دوره و قبل و بعد از جنگ سرد، تعامل چین چندان تحت تأثیر جنگ‌ها و فعالان منطقه‌ای نبوده و بیشتر از مؤلفه‌های خارجی نظیر رقابت خویش با اتحاد شوروی، رفاقت با آمریکا و سپس از هژمونی آمریکا تأثیر پذیرفته است. چین همواره مراقب بوده تا توازن مثبت در تعامل

با کشورهای منطقه یعنی عدم انتخاب یک طرف در مقابل طرف دیگر و یا عدم دشمن تراشی را رعایت کند. هم چنین، چین به عدم مداخله در امور داخلی بازیگران منطقه‌ای توجه داشته است. با این وجود، چین از خود تمایل فزاینده‌ای برای مشارکت در میانجی‌گری امنیتی در عراق، لیبی، سودان، یمن و درگیری اسرائیل و فلسطین نشان داده است.

بی‌میلی سنتی چین برای درگیر شدن در بحران‌ها و درگیری‌های بین‌المللی، به‌ویژه فراتر از حوزه نفوذ منطقه‌ای‌اش، اکنون منسوخ شده است، زیرا قدرت در حال ظهور به طور فزاینده‌ای به دنبال تبدیل شدن به یک بازیگر جهانی رقیب ایالات متحده است. مدیریت مناقشه و دیپلماسی بحران اکنون جزء لاینفک دخالت دیپلماتیک چین در خاورمیانه است. چین و شرکای خاورمیانه‌ای آن در حال ایجاد یک چندقطبی استراتژیک هستند که بهتر از نظم کنونی تحت رهبری ایالات متحده که منجر به ایجاد یک نظم چندقطبی استراتژیک جدید می‌شود، به منافع ملی آنها خدمت می‌کند. قدرت‌های میانه خاورمیانه، مشارکت فزاینده چین در منطقه را گام‌هایی به سوی نظم چندقطبی می‌دانند که به آنها کمک می‌کند تا نفوذ ایالات متحده را متعادل کنند. شی جین‌پینگ خواستار کنترل مشترک بیشتر بر حکومت جهانی شده است. او اعلام کرده است که چین باید «اصلاح نظام حکمرانی جهانی را با مفاهیم انصاف و عدالت رهبری کند.» عبارات انصاف و عدالت نشان‌دهنده فراخوانی برای جهانی چندقطبی‌تر است، جهانی که احتمالاً نقش کوچک‌تری ایالات متحده در تنظیم قوانین بین‌المللی دارد. عقب‌نشینی دولت دونالد جی. ترامپ از رهبری جهانی به فرصت چین برای پر کردن خلأ و ترویج حکومت جهانی چندقطبی افزوده است. چین در سازمان‌های بین‌المللی که به طور سنتی تحت تسلط کشورهای غربی هستند، نفوذ پیدا کرده است. به‌عنوان مثال، در ژوئن ۲۰۱۹، کو دونگیو، معاون وزیر کشاورزی و امور روستایی چین، به‌راحتی نامزد مورد حمایت ایالات متحده برای سمت مدیر کلی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد را شکست داد. تا سال ۲۰۲۱، مقامات چینی چهار آژانس از پانزده آژانس تخصصی سازمان ملل را رهبری می‌کردند. چین همچنین شروع به ایجاد مؤسسات تحت سلطه پکن خود کرد، روندی که در دهه ۲۰۱۰ گسترش یافت (CFR, ۲۰۲۲).

در میان تنش‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای در حال تحول و پویایی‌های امنیتی در حال تغییر در خاورمیانه، پکن بر تلاش‌های خود برای گسترش روابط اقتصادی با قدرت‌های منطقه و ایجاد مشارکت‌های استراتژیک جامع با جهان عرب تأکید می‌کند. تا به امروز، چین با احتیاط در منطقه برای ایجاد تعادل بین رقبای منطقه قدم برداشته است. با این حال، حضور روبه‌رشد آن در منطقه احتمالاً در نهایت پکن را به تعامل گسترده‌تری خواهد کشاند، به‌ویژه که ترتیبات امنیتی منطقه‌ای نوظهور راه را برای چالش‌های جدیدتری هموار می‌کند که نقش قدرت‌های منطقه‌ای را در بحبوحه خروج ایالات متحده افزایش می‌دهد. سیاست خارجی پکن برای ایجاد تعادل بین رقبا و افزایش چندجانبه‌گرایی، چین را قادر ساخته است تا روابط خود را با خاورمیانه عمیق‌تر کند. چین ضمن تعامل با منطقه، بر منافع مشترک که عمدتاً اقتصادی است، تمرکز کرده و بر همکاری جنوب و جنوب تأکید کرده است (Moonakal, ۲۰۲۲: ۳).

چین با استفاده از طیف گسترده‌ای از ابزارهای سیاست خارجی، به طور پیوسته روابط سیاسی و اقتصادی قوی و چندوجهی با همه کشورهای خاورمیانه ایجاد کرده است. مجمع همکاری چین و آفریقا (FOCAC) که در سال ۲۰۰۰ تأسیس شد، هماهنگی با کشورهای سراسر آفریقای شمالی و بقیه قاره آفریقا را در مورد طیف گسترده‌ای از مسائل سیاسی، اقتصادی و امنیتی تسهیل می‌کند. به همین ترتیب، مجمع همکاری چین و کشورهای عربی (CASCF) که در سال ۲۰۰۴ آغاز شد، بستری را برای تعامل با همه اعضای اتحادیه کشورهای عربی فراهم می‌کند. همچنین، به طور فزاینده‌ای، سازمان همکاری شانگهای (SCO) شامل کشورهای خاورمیانه می‌شود (Murphy et al, ۲۰۲۲: ۱).

در دهه گذشته، پکن سازمان همکاری شانگهای (SCO) را تأسیس کرد که بر اساس گروه قبلی شانگهای ۵ ساخته شد و چین، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی را گرد هم آورد. در دهه ۲۰۱۰، سازمان همکاری شانگهای

به ابزاری برای چین تبدیل شد تا هنجارهای جهانی موجود را به چالش بکشد، مانند همکاری‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی در چهارچوب این سازمان با کشورهای تحریم شده از سوی آمریکا و متحدانش از جمله ایران و روسیه.

یکی از اصلی‌ترین اتحادها و ائتلاف‌های چین در چند سال اخیر سازمان همکاری‌های شانگهای بوده است. در بیست و دومین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۲۲ ایران به‌عنوان عضو دائم در سازمان همکاری شانگهای پذیرفته شد. افزودن ایران به ساختار سازمان همکاری شانگهای ارزش قابل توجهی سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای را افزایش می‌دهد. سازمان همکاری شانگهای اکنون همه بازیگران لازم را برای حل چالش‌های منطقه‌ای مانند امنیت، ارتباطات و توسعه اقتصادی دارد. همچنین تصمیم دیگری مبنی بر آغاز این روند برای حضور بحرین، مالدیو، امارات، کویت و میانمار به‌عنوان شرکای گفتگوی جدید در اجلاس سمرقند گرفته شد. قطر، عربستان سعودی و مصر تفاهم‌نامه‌هایی را امضا کردند و وضعیت شرکای گفتگوی سازمان همکاری شانگهای به آنها اعطا شد و روندی را که سال گذشته آغاز شده بود تکمیل کردند. تنها بار دیگر از زمان تأسیس این سازمان در سال ۲۰۰۱ که اعضای جدید پذیرفته شده‌اند، در سال ۲۰۱۵ بود، زمانی که درخواست‌های پاکستان و هند در اجلاس آن سال پذیرفته شد. در اجلاس سال ۲۰۱۶، دو کشور یادداشت تفاهم امضا کردند و در اجلاس سال ۲۰۱۷ به‌عنوان اعضای کامل پذیرفته شدند. این نشان‌دهنده اهمیت این سازمان برای کشورهای در حال توسعه به‌ویژه کشورهای خاورمیانه دارد. این در صورتی است که بسیاری از سازمان همکاری‌های شانگهای را نوعی ناتوی شرقی می‌دانند.

چین باتکیه بر موفقیت خود در افزایش قدرت نرم خود در طول همه‌گیری، به دنبال تعمیق روابط خود با جهان بود. در اوایل سال ۲۰۲۱، وانگی به شش کشور خاورمیانه از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و عمان سفر کرد. به دنبال تبادلات پرتنش بین هیئت‌های ایالات متحده و چین در آلاسکا در اوایل سال ۲۰۲۱، و تلاش‌های دولت بایدن برای تقویت اتحاد با دموکراسی‌ها در سراسر جهان و ایجاد استراتژی که تعامل با مهار چین را به‌صورت هم‌زمان پیش می‌برد و فشارهای حقوق بشری در مورد ایالت سینکیانگ چین را افزایش دهد (۵: ۲۰۲۲: Abdel Ghafar). چین هم به دنبال تقویت روابط و اتحادهای خود را در سراسر جهان، از جمله در خلیج فارس است. سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان سعودی در سال ۲۰۲۲ نه‌تنها برای همکاری‌های انرژی و تجاری هر دو کشور مهم بود. بلکه پوشش سیاسی کشورهای مسلمان خاورمیانه و حمایت از رویکرد چین به سین کیانگ را برجسته می‌کند. در اولین قدم عربستان سعودی در مخالفت با نیروهای غربی که بین چین و جهان اسلام فاصله انداختند، از موضع مشروع چین در امور مربوط به سین کیانگ و هنگ کنگ حمایت کرد.

میانجیگری چین

پکن به ایده صلح از طریق توسعه با تقویت «ادراکات امنیتی مشترک» معتقد است که با «ادراک امنیتی سنتی» به رهبری غرب که بر تأمین امنیت از طریق شکست دادن دشمن و حفظ اتحادهای نظامی انحصاری متمرکز است، متفاوت است. پیشنهادها چین برای ترویج گفت‌وگوی سیاسی بین کشورهای رقیب و ایجاد ترتیبات چندجانبه برای به حداقل رساندن بی‌اعتمادی و گسترش منافع مشترک (که بخشی از سند سیاست عربی چین نیز بود) یکی از دلایلی اصلی برای میانجیگری چین در منطقه است.

از دیدگاه چین، دیپلماسی خاورمیانه در جهت مثبت فزاینده‌ای حرکت می‌کند. چین از سال ۲۰۱۷ سعی کرد میانجیگری مذاکرات صلح بین فلسطین و اسرائیل را انجام دهد. او یک مقاله موضعی چهار ماده‌ای در مورد مسئله فلسطین و اسرائیل پیشنهاد کرد. پکن همچنین حداقل در چهار نوبت با برخی از سیاستمداران و دانشمندان اسرائیلی و فلسطینی سمینارهایی برگزار کرد. اما در آن دوران طرح ابراهیم ترامپ مانع از شکل‌گیری میانجیگری چین شد.

درحالی که تیم خاورمیانه جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، بر عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل متمرکز بود، چین مهم‌ترین پیشرفت منطقه‌ای از زمان توافق آبراهام را انجام داد: توافقی برای پایان دادن به هفت سال اختلاف عربستان و ایران. توافق عادی‌سازی که امسال توسط ریاض و تهران امضا شد نه تنها به دلیل پیامدهای مثبت بالقوه آن در منطقه - از لبنان و سوریه گرفته تا عراق و یمن - بلکه به دلیل نقش رهبری چین و غیبت ایالات متحده در منطقه قابل توجه است. این معامله نشان‌دهنده یک پیروزی برای پکن است. با میانجی‌گری برای تنش‌زدایی بین دو دشمن اصلی و تولیدکنندگان بزرگ نفت منطقه، هم به تأمین انرژی موردنیاز خود کمک کرده و هم به اعتبار خود را به‌عنوان خریدار مورداعتماد در منطقه‌ای که زیر بار درگیری‌ها قرار دارد، افزوده است، کاری که واشنگتن نمی‌توانست انجام دهد. موفقیت چین عمدتاً به دلیل گام‌های اشتباه استراتژیک ایالات متحده ممکن شد: یک سیاست خود باخت که فشار بر ایران را با التماس به عربستان سعودی همراه کرد، به چین کمک کرد تا به‌عنوان یکی از معدود قدرت‌های بزرگ بانفوذ و اعتماد به هر دوی این کشورها ظاهر شود (Parsi, Aljabri, ۲۰۲۳: ۲).

میانجیگری چین در توافق عادی‌سازی عربستان سعودی و ایران نشان‌دهنده یک گسست احتمالی از سیاست دیرینه این کشور برای حفظ ردپای منطقه‌ای حداقلی و اقتصادی است. هدف چین با آوردن موفقیت‌آمیز دو تن از سرسخت‌ترین رقبای خاورمیانه به پای میز مذاکره، ایجاد اعتبار به‌عنوان یک شریک توانمند در منطقه‌ای است که گاه به عدم تعامل امنیتی آمریکا اعتراض کرده و از غفلت استراتژیک واشنگتن ابراز تأسف کرده است. تغییر رویکرد چین مورد استقبال بازیگران منطقه‌ای قرار گرفته است که امیدوارند در نهایت فتنه‌های یک رقابت چند دهه‌ای را به خاک بسپارند - رقابتی که از بهار عربی سرریز شده است. از سال ۲۰۱۱، تشدید رقابت بین عربستان و ایران، درگیری‌های منطقه‌ای را تشدید کرده و به جنگ‌های نیابتی در یمن دامن زده است. آنها همچنین تلاش‌های ثبات در عراق را ناکام گذاشتند و (در میان عوامل دیگر) به یک بحران طولانی در لبنان و یک بن‌بست سیاسی در سوریه منجر شدند. حملات پهپادی و موشکی ۲۰۱۹ به عربستان سعودی و امارات بیشتر اعتماد کشورهای حاشیه خلیج فارس به تضمین‌های آمریکا را متزلزل کرد که با امضای توافقی هسته‌ای ایران ضربه جدی به آن وارد شده بود. حملات ۲۰۱۹ همچنین ساختار امنیتی آمریکا در خاورمیانه را زیر سؤال برد. برای بازیگران منطقه‌ای، وعده چین برای حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشه راهی بالقوه (اما آزمایش نشده) روبه‌جلو ارائه می‌دهد (Hamzawy, ۲۰۲۳: ۲). اینکه آیا سیاست (منازعه صفر) پکن می‌تواند به ایجاد ثبات و مشارکت در خاورمیانه کمک کند، هنوز مشخص نیست.

آمریکا و خاورمیانه: مطلوبیت‌های نظم منطقه‌ای

شبکه اتحاد آمریکا یکی از بادوام‌ترین و موفق‌ترین عناصر سیاست خارجی ایالات متحده از زمان جنگ جهانی دوم بوده است. اتحادهای ایالات متحده به طور مداوم در دوران پس از جنگ سرد تطبیق یافته و تکامل یافته‌اند، اما اکنون با یک چالش جدید و سهمگین‌تر روبرو هستند: واکنش جمعی به نفوذ روبه‌رشد اقتصادی، نظامی و فناوری چین. این وظیفه، اصلی‌ترین چالش ژئواستراتژیکی است که ایالات متحده و متحدانش با آن روبرو هستند. این اتحادها برای جنگ سرد و مقابله بانفوذ شوروی طراحی شده‌اند. اما اتحادهای ایالات متحده در حال حاضر چه از نظر استراتژیک و چه از لحاظ عملیاتی برای مدیریت نفوذ چین طرح و برنامه‌ای ندارند. حال آمریکا با تمرکز بر حوزه آسیا - اقیانوسیه در صدد ایجاد اتحادیهایی برای کنترل قدرت نفوذ چین است.

پس از چهار سال از ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، خاورمیانه بیشتر از قبل قطبی شده، هرچند با نظامی نوظهور. استراتژی دولت آمریکا در این دوره بر مبنای جدایی سیاسی از خاورمیانه - که لزوماً به خروج نظامی کامل مربوط نمی‌شود - درحالی که امنیت خاورمیانه و حوزه مدیترانه را به متحدان منطقه‌ای آمریکا برون‌سپاری می‌کند بود. اما در پایان این دوره ریاست‌جمهوری آمریکا، آنچه که تعجب‌آور است این است که چین در حال حاضر بسیار بیشتر از سال ۲۰۱۶ در خاورمیانه حضور دارد، زیرا کاخ سفید به‌سرعت در حال خروج از منطقه برای

تحقق وعده «اول آمریکا» بود و بیشتر تمرکز آمریکا برای مقابله بهتر بانفوذ پکن در هند و اقیانوس آرام بود. در دوران ترامپ این میراث اصلی، در زمینه اتحادها و ائتلاف‌ها را می‌توان خروج واشنگتن از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بین ۱+۵ و ایران در سال ۲۰۱۸ برشمرد.

ایده تشکیل یک ائتلاف نظامی در منطقه غرب آسیا که نام نمادین ناتوی عربی برای آن انتخاب شده به دوران ترامپ برمی‌گردد، زمانی که دولت آمریکا دوستانش در منطقه غرب آسیا را برای تشکیل یک ائتلاف نظامی با عنوان «ائتلاف راهبردی خاورمیانه» یا MESA تحت فشار گذاشت. جولای ۲۰۱۸ کاخ سفید هدفش از این طرح را این‌طور عنوان کرد که دنبال ایجاد یک ائتلاف امنیتی و سیاسی با مشارکت ۶ عضو شورای همکاری خلیج فارس به‌علاوه اردن و مصر برای مقابله با «اقدامات توسعه‌طلبانه ایران در منطقه» است (Farouk, ۲۰۱۹). این طرح به دنبال ایجاد ائتلافی برای توسعه استراتژی دولت وقت آمریکا در زمینه احاله مسئولیت به کشورهای خاورمیانه بود. این طرح بعد از اتمام دوران ریاست‌جمهوری ترامپ به‌کلی فراموش شد.

اما با روی کار آمدن جو بایدن ایجاد اتحادهای ایالات متحده در سیاست خارجی او و برنامه دولتش برای مدیریت چالش‌های ناشی از پکن نقش اساسی خواهند داشت. این چالش‌ها بی‌اهمیت نیستند و در چهار سال آینده نیازمند توجه و نوآوری متمرکز خواهند بود. رویارویی با چالش چین به‌طور مؤثر مستلزم افزایش توانایی‌ها و هماهنگی بین ایالات متحده و متحدانش در آسیا - اقیانوسیه و اجماع بیشتر در اروپا برای نحوه مدیریت حضور، نفوذ و قدرت جهانی روبه‌رشد پکن است. در چند سال گذشته استراتژی آمریکا ایجاد اتحادهای در سراسر اروپا و هند و اقیانوس آرام بوده است و کمتر به ایجاد اتحاد در خاورمیانه توجه شده است. از جمله اتحادهای تشکیل شده و یا در حال تشکیل توسط آمریکا در این مناطق می‌توان مجمع «D۱۰» که شامل کشورهای G۷ به‌علاوه استرالیا، هند و کره جنوبی می‌شود، در جبهه امنیت ملی، پیشنهادهایی برای گسترش شبکه اطلاعاتی Five Eyes به‌عنوان ابزاری برای هماهنگی بهتر پاسخ‌های دموکراتیک به تهدیدات سیاسی و نظامی پکن و در هند و اقیانوس آرام، علی‌رغم ماهیت نوپای Quad تجدید شده، فراخوان‌ها برای توسعه مکانیسم «Quad-plus» که می‌تواند شرکای مانند کره جنوبی، فرانسه و نیوزیلند را در خود جای دهد در برشمرد (Ford, Goldgeier, ۲۰۲۱).

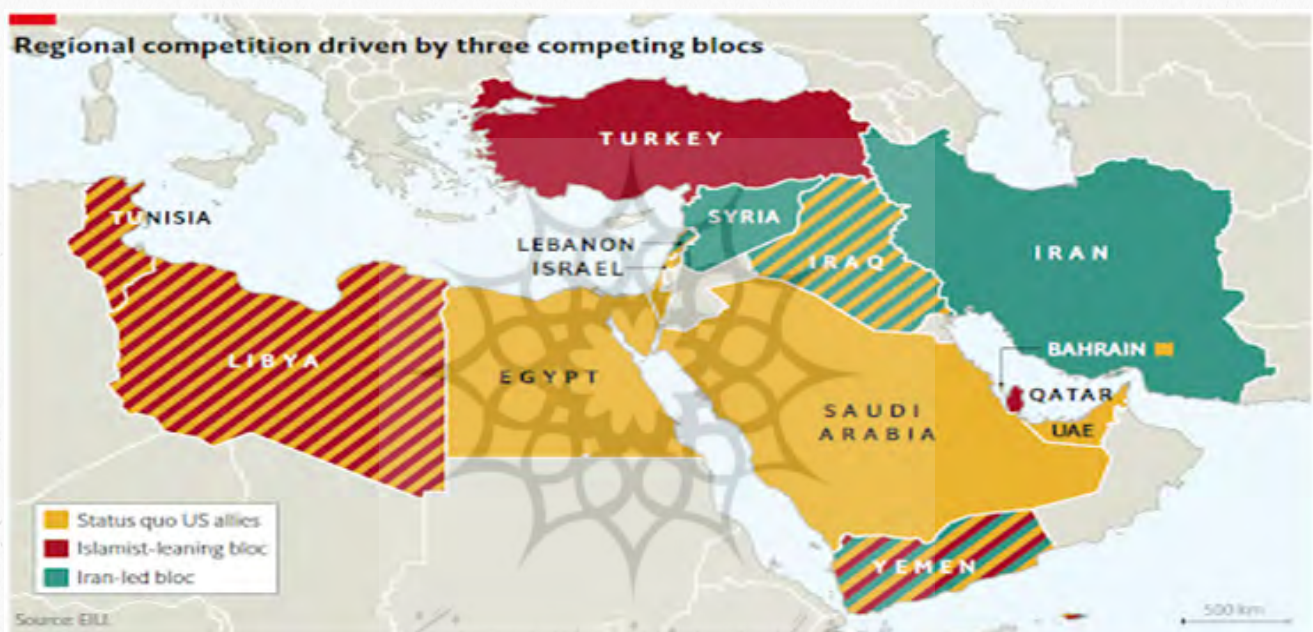
میانجیگری آمریکا در خاورمیانه

برای بیش از یک دهه، مقامات آمریکایی طرح یک «محور» استراتژیک را به‌دوراز خاورمیانه به‌منظور رویارویی با تهدید چین در حال رشد تبلیغ می‌کنند. به همین علت دولت آمریکا در چند سال گذشته توجه چندانی به میانجیگری در منطقه خاورمیانه نداشته است. از محدود میانجیگری‌های صورت گرفته در خاورمیانه توسط آمریکا، تلاش برای عادی‌سازی روابط اسرائیل متحد استراتژیک خود و اعراب منطقه بوده است. حال به بررسی این میانجیگری‌ها و منافع آمریکا می‌پردازیم.

سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۶. «طرح صلح ترامپ» در مورد مسئله اسرائیل و فلسطین (۲۰۲۰)؛ و «توافق ابراهیم»^۱ که نشان‌دهنده عادی‌سازی دیپلماتیک بین اسرائیل و امارات است که در هر دو آن‌ها آمریکا نقش میانجی را داشت. در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰، ایالات متحده، امارات متحده عربی و بحرین توافقنامه تاریخی ابراهیم را امضا کردند. با این دستاورد، امارات متحده عربی و بحرین با به‌رسمیت شناختن کشور اسرائیل و عادی‌سازی روابط دیپلماتیک، مسیر جدیدی را در تاریخ روابط اعراب و اسرائیل ترسیم کردند. در اواخر همان سال، دو کشور عربی دیگر، سودان و مراکش، از این روش پیروی کردند و به پیمان ابراهیم پیوستند و تعداد کشورهای عربی با روابط دیپلماتیک رسمی با اسرائیل را از دو کشور به شش افزایش داد. توافقنامه ابراهام برای ارتقای هژمونی ایالات متحده - و در نتیجه، اسرائیل و خلیج فارس - در منطقه از طریق این تحکیم سریع مشارکت‌های اقتصادی و دیپلماتیک طراحی شد (Malhas, ۲۰۲۲). اما آن گونه که ایالات متحده انتظار داشت این میانجیگری موجب تحکیم هژمون آمریکا

در منطقه نشد، بلکه باتوجه به چالش‌های بسیار عمیق برخی کشورهای منطقه از جمله ایران با اسرائیل، عامل به‌وجود آمدن گسست‌های دیگری در منطقه نیز شد.

در دوران بایدن نیز میانجیگری دولت آمریکا حول محور اسرائیل بوده است. در جدیدترین اقدام میانجی این دولت تغییر حاکمیت دو جزیره صنافیر و تیران که قبلاً تحت حاکمیت مصر بوده تحت اختیار عربستان سعودی قرار گیرد. این اقدام زمینه را برای ارتباط جغرافیایی عربستان سعودی و اسرائیل فراهم می‌کند. ایالات متحده در درازمدت از حمایت متحدان خاورمیانه خود در مناطق آشفته عقب‌نشینی می‌کند و علاقه‌ای برای ارائه تضمین‌های امنیتی و راهبردی برای این کشورها حتی در میان‌مدت ندارد. در چنین وضعیتی کشورهای خاورمیانه با نگاه به اطراف، می‌بینند که کشورهای مخالف آمریکا، در جهت موافق منافع آن‌ها قرار گرفته‌اند. این موضوع موجب ایجاد خلأ آمریکا در زمینه میانجیگری و پر کردن این خلأ توسط چین می‌شود (Kaylan, ۲۰۲۳: ۱).



نمودار ۱. بلوک بندی های خاورمیانه

نظم موردنظر آمریکا و چین در خاورمیانه

ایالات متحده از زمان پایان جنگ سرد، اکثریت عمده پیشرفت‌های دیپلماتیک در منطقه از جمله صلح بین اسرائیل و اردن، عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و کشورهای خلیج فارس و توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵ را هدایت کرده‌اند. نظم موردنظر آمریکا مهندسی نظم از برون بوده است. جدایی آمریکا از خاورمیانه بخشی از یک استراتژی حساب شده برای معطوف کردن تمرکز آن به رقابت فزاینده با چین ایالات متحده به دنبال بازگشت به رویکرد قبل از ۱۹۹۰ خود در منطقه است که ترکیبی از حضور نظامی حداقلی با اتکا به متحدان منطقه‌ای برای حفظ صلح است. جو بایدن به توانایی دولت خود برای مقاومت در برابر ورود دوباره به باتلاق خاورمیانه افتخار می‌کند، چیزی که تلاش‌های اسلاف بلافصل او، باراک اوباما و دونالد ترامپ، را در برای چرخش به سمت آسیا با مشکل مواجه کرد. درحالی که مداخلات غرب در خاورمیانه در طول سال‌ها نوسان داشته است. در مقابل پکن مدت‌هاست که زمان و منابع قابل توجهی را صرف ایجاد روابط دیپلماتیک و تجاری با تمامی بازیگران اصلی خاورمیانه کرده و تداوم رویکرد «با همه رفیق» به خوبی به خدمت پکن درآمده است. از همین جهت می‌توان الگوی نظم موردنظر چین در خاورمیانه را نظم منطقه‌ای درون‌زا بر شمرد. می‌توان تفاوت نظم موردنظر دو کشور آمریکا و چین در منطقه خاورمیانه (برون‌زا - درون‌زا) را این‌گونه برشمرد که نظم درون‌زا درست در تضاد با عناصر نظم منطقه‌ای برون‌گرا است. این ثبات می‌خواهد، آن بی‌ثباتی، این مداخله

مثبت قدرت‌های خارجی را طلب می‌کند، آن مداخله منفی، این مشارکت در نظم را هدف می‌داند، آن مشارکت را وسیله، این به ملت‌ها اصالت می‌دهد، آن به دولت‌ها، این مهندسی نظم از قاعده به رأس را دنبال می‌کند، آن از رأس به قاعده و بالاخره این هسته نظم منطقه‌ای را روابط همسایگی مبتنی بر اعتماد متقابل می‌داند و آن یکی هسته نظم را روابط مبتنی بر هژمونی و تفوق تلقی می‌کند.

رقابت امنیتی آمریکا و چین

در طول جنگ سرد، ایالات متحده و شوروی اتحادیه برای کشورهای مشتری و شرکا به رقابت پرداخت، بلوک‌های همسو با استراتژی را توسعه داد، و در استراتژی‌های مهار که بر اساس دیدگاه‌های اساسی متمایز در مورد چگونگی نظم‌دادن به نظام بین‌المللی هدایت می‌شد، مشارکت داشت. لحظه کنونی منعکس‌کننده همان تاکتیک‌ها بدون چشم‌انداز بزرگ گذشته است. پس از دهه‌ها نظم جهانی تک‌قطبی، بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ به واقعیتی در سیاست جهانی امروز تبدیل شده است. سند مفهوم راهبردی جدید سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که در ژوئن ۲۰۲۲ منتشر شد، به وضوح نشان می‌دهد که چگونه سازمان خود را برای یک محیط امنیتی بین‌المللی جدید که توسط چین رقابتی تعریف شده است آماده می‌کند. در این سند ذکر می‌شود که جاه‌طلبی‌ها و سیاست‌های قهرآمیز جمهوری خلق چین منافع، امنیت و ارزش‌های کشورهای عضو ناتو را به چالش می‌کشد (NATO, ۲۰۲۲: ۴۶).

خاورمیانه، رقابت امنیتی آمریکا و چین

۱۲ سال است که ایالات متحده در تلاش است تا از خاورمیانه خارج شود. قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران، اسرائیل، روسیه، عربستان سعودی و ترکیه با جستجوی متحدان جدید به رقابت شدیدتر با یکدیگر پرداخته‌اند. در واقع، درحالی‌که از چین به‌عنوان یک شریک امنیتی بالقوه یاد می‌شود، منافع اصلی آن در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا همچنان گسترش دامنه تجاری خود و در اختیار گرفتن منابع انرژی است، درحالی‌که از هرگونه درگیری امنیتی اجتناب می‌کند (Freymann, ۲۰۲۱: ۲). برخی از مفسران برجسته چینی، به طور دوره‌ای از سیاست خارجی متمرکز بر نگرانی‌های امنیتی در خاورمیانه و غرب آسیا حمایت می‌کنند، اما این دیدگاه در یک کشور چینی که ممکن است به هماهنگی امنیتی بیشتر علاقه‌مند باشد، در اقلیت است. در خاورمیانه هنوز تمایل چندانی به ایفای آن نوع هدف نظامی شدیدی که ایالات متحده انجام می‌دهد، ندارد (Sun, Zoubir, ۲۰۲۱: ۷).

حضور نظامی چین و ساخت‌وسازهای بندری در غرب اقیانوس آرام و اقیانوس هند واکنش‌های خصمانه‌ای را از سوی ایالات متحده، ژاپن، استرالیا و هند برانگیخته است. برعکس، پایگاه دومنظوره آن در جیبوتی تا کنون جنجال زیادی ایجاد نکرده است. در آگوست ۲۰۱۷، چین شروع به استفاده از اولین پایگاه لجستیکی خارج از کشور خود در جیبوتی کرد. پایگاه کوچک جیبوتی ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ سرباز دارد که به گفته مقامات چین از عملیات ضد دزدی دریایی در خلیج عدن و برنامه‌های بشردوستانه در آفریقا پشتیبانی لجستیکی می‌کنند (Degang, ۲۰۱۸: ۲-۴).

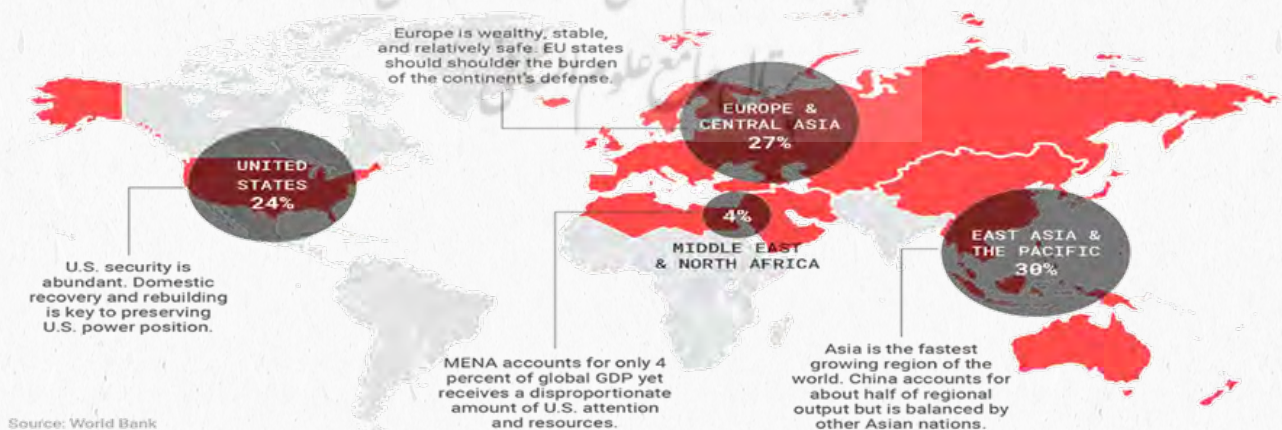
چین که در درجه اول یک قدرت اقتصادی است، همچنان از ایفای نقش امنیتی عمده در خاورمیانه خودداری می‌کند و درعین حال تلاش می‌کند تا از خطوط گسل منطقه عبور کند. چین به طور دوره‌ای به تلاش‌های حفظ صلح در منطقه خاورمیانه کمک کرده است. پکن چندین پیشنهاد ارائه کرده و میزبان کنفرانس‌ها و نشست‌هایی درباره امنیت منطقه‌ای و درگیری‌ها در خاورمیانه بوده است. در سال ۲۰۱۸، در مراسم افتتاحیه هشتمین نشست وزیران مجمع همکاری چین و کشورهای عربی، رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ پیشنهادی را برای معماری جدید امنیتی پایدار در خاورمیانه ارائه کرد. در سال ۲۰۱۹، پکن اولین مجمع امنیت خاورمیانه خود را برگزار کرد و دومین دوره آن در سال ۲۰۲۲ برگزار شد. علاوه بر این، چین همچنین ابتکارات و پیشنهادهای را

ارائه کرد: "سکوی گفتگوی چندجانبه برای منطقه خلیج"، ابتکار پنج ماده‌ای برای دستیابی به امنیت و ثبات در خاورمیانه، پیشنهاد چهار ماده‌ای برای حل مسئله سوریه، و سه ایده برای اجرای «طرح دو دولتی» برای مناقشه اسرائیل و فلسطین (Fmprc, ۲۰۲۲).

چین به دنبال ایفای نقش امنیتی از طریق صادرات فناوری دفاعی بوده است. به‌عنوان مثال، گزارش سال ۲۰۱۹ در مورد همکاری عربستان سعودی با چین برای توسعه موشک عربستان سعودی تنها بخش کوچکی از کل خرید تسلیحات خود را از چین تأمین می‌کند. بحث‌های قابل توجهی را در ایالات متحده برانگیخت، حتی اگر عربستان سعودی تنها بخش کوچکی از کل خرید تسلیحات خود را از چین تأمین کند. در گذشته، عربستان سعودی برای دسترسی به فناوری موشک‌های بالستیک تنها زمانی به چین روی آورد که ایالات متحده تمایلی به ارائه آن نداشت. همکاری چین با عربستان سعودی در تولید موشک‌های بالستیک نشان‌دهنده رویکرد نظامی نرم چین در خاورمیانه است. حضور نظامی نرم به معنای شرکت در عملیات صلح موقت نظامی، شرکت در مانورها، نیروهای حافظ صلح، خدمات فنی نظامی، مؤسسات آموزشی نظامی و سرمایه‌گذاری نظامی در کشورهای متعهد به جای ایجاد پایگاه‌های نظامی فیزیکی است. گسترش بیشتر حضور نظامی نرم چین در خارج از کشور برای حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های تجاری خارجی روبه‌رشد و سایر منافع آن ضروری است.

۶-۲. چین بخشی از معمای امنیتی آمریکا در خاورمیانه

باید به این نکته توجه کرد که وقتی چین به روابط کشورهای واقع در غرب آسیا می‌پردازد، آمریکا بر اساس ماهیت آن روابط واکنش نشان می‌دهد. اگر روابط هم‌پیمانان آمریکا با چین مبتنی بر حوزه‌های اقتصادی و انرژی باشد، هیچ اعتراض مستقیمی از سوی آمریکا وجود نخواهد داشت، زیرا آمریکا خود یکی از کشورهایی است که بیشترین حجم روابط اقتصادی با چین را دارد، اما زمانی اهمیت پیدا می‌کند که روابط متحدان ایالات متحده با چین در زمینه‌های نظامی و امنیتی گسترش می‌یابد. ایالات متحده نشان داده است که با آن دسته از متحدان سنتی که به سمت همکاری نظامی و امنیتی با رقبای آمریکایی در همکاری نظامی و دفاعی خود می‌روند، محتاطانه برخورد می‌کند. به‌عنوان مثال، تجربه ترکیه در خرید سامانه‌های موشکی اس-۴۰۰ ساخت روسیه باعث شد که آمریکا مشارکت ترکیه در پروژه جنگنده‌های اف-۳۵ را لغو کند (SCFR, ۲۰۲۲).



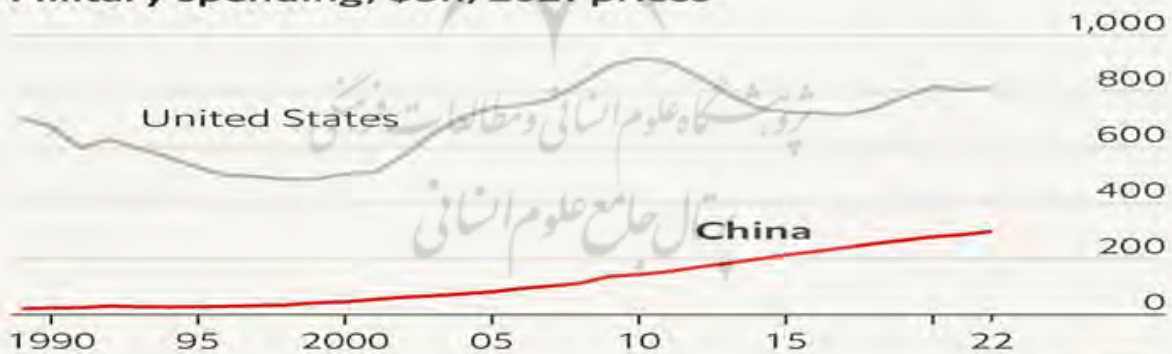
نمودار ۲. تمرکز استراتژی امنیت ملی آمریکا بعد از پاندمی کرونا

با این اوصاف، ایالات متحده همچنان تأمین‌کننده کلیدی امنیت در منطقه است. با وجود خروج ایالات متحده از افغانستان، ایالات متحده همچنان حضور نظامی قابل توجهی در منطقه دارد. در قطر، پایگاه هوایی عدید را نگهداری می‌کند که در سال ۲۰۲۱ توسعه یافت و نقش مهمی در خروج از افغانستان داشت. منامه همچنان پایگاه ناوگان پنجم ایالات متحده و فرماندهی مرکزی نیروی دریایی ایالات متحده (CENTCOM) است. در امارات متحده عربی، ایالات متحده در پایگاه هوایی الذرفه حضور دارد، جایی که پرسنل آن برای دفاع از امارات در حملات حوثی‌ها در سال ۲۰۲۲، موشک‌های پاتریوت شلیک کردند. هیچ سناریوی واقع‌بینانه‌ای وجود ندارد که در آن چین بتواند در صورت خروج کامل ایالات متحده از شورای همکاری خلیج فارس، این شکافها را پر کند (Gambrell, Altman, ۲۰۲۲: ۶).

ایالات متحده برای مدت طولانی بازیگر خارجی اصلی در امنیت خاورمیانه بوده است و احتمالاً در آینده نزدیک نیز به این نقش ادامه خواهد داد. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز مانند بسیاری از کشورهای خاورمیانه به تضمین‌های امنیتی ایالات متحده متکی هستند. ناتوانی آنها در توسعه قابلیت‌های دفاع شخصی جامع، تضمین‌های امنیتی ایالات متحده را حیاتی کرده است. ایالات متحده علاوه بر حضور نظامی خود در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، تمرین‌هایی را با مشارکت هر شش کشور شورای همکاری خلیج فارس انجام می‌دهد، آموزش‌های ترکیبی را برای نظامیان آنها ارائه می‌دهد و به ایجاد قابلیت همکاری بیشتر سخت‌افزارهای خریداری شده ایالات متحده کمک می‌کند. برای شورای همکاری خلیج فارس مهم‌تر از روابط اقتصادی قوی‌تر با چین باشد، مگر اینکه سیاست‌گذاران چینی تصمیم بگیرند که بخشی از معماری امنیتی منطقه شوند (Abdel Ghafar, ۲۰۲۲).

Xi Jinping wants to narrow the military gap between China and America

Military spending, \$bn, 2021 prices



Source: SIPRI

نمودار ۳. مقایسه هزینه نظامی آمریکا و چین

نتیجه‌گیری

آمریکا دیگر تسلط گذشته خود در حوزه سیاست خاورمیانه را ندارد. آنچه اکنون در منطقه رخ می‌دهد را نمی‌توان با رقابت قدرت‌های بزرگ یا رقابت ایدئولوژیک بین دموکراسی و استبداد توضیح داد. قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه از جمله ایالات متحده، کنترل خود را در این مکان از دست داده‌اند و هیچ‌کس دیگر در تلاش برای تحمیل سیستم‌های جدید حکومتی بر آن نیست. آنها به دنبال کنارگذاشتن روابط خود با ایالات متحده یا جایگزینی آنها با سایرین نیستند. آنها در راستای منافع خود عمل می‌کنند، نه اینکه برای ایجاد توازن مجدد در

روابط بین‌المللی خود، طرفی را اتخاذ کنند. آنها نمی‌خواستند بین چین و آمریکا مجبور به انتخاب شوند و به اصرار آمریکا برای محدود کردن روابط خود با چین واکنش خوبی نشان نمی‌دهند، به‌ویژه که ایالات متحده هیچ غرامت یا انگیزه‌ای برای این کار به آنها ارائه نمی‌دهد. برخلاف ایالات متحده امروز، چین از کشورهای منطقه نمی‌خواهد که نظام‌ها و ارزش‌های سیاسی خود را تغییر دهند، آنها را به‌خاطر کوتاهی در این کار تنبیه کنند و یا خواستار روابط انحصاری با آنها باشند. همین موضوع سبب شده است که چین روزبه‌روز در زمینه اتحاد و ائتلاف با کشورهای خاورمیانه موفق عمل کند. در زمینه میانجیگری نیز چین با کاهش تنش در منطقه و میانجیگری در اختلاف بین کشورهای منطقه، منافع خود در خاورمیانه را تثبیت می‌کند. در حوزه امنیت چین با وجود قدرت فزاینده خود، هنوز توانایی جایگزینی با ایالات متحده در خاورمیانه را ندارد، جایی که واشنگتن ده‌ها پایگاه نظامی و متحدانی دارد که متعهد به دفاع از آن است. به‌گونه‌ای که چین هم به این سیستم امنیتی پایبند است و در آن ادغام شده است. اما باید به این موضوع توجه داشت که نفوذ آمریکا که به‌طور سنتی بزرگ‌ترین دلال قدرت در خاورمیانه کاهش یافته است. تصمیم ایالات متحده برای خروج از توافق هسته‌ای ایران، روابط سردگرم با عربستان سعودی و اشغال طولانی‌مدت و خروج آشفته‌اش از عراق و افغانستان به اعتبار این کشور لطمه زده است. سیاست داخلی نیز ایالات متحده را منحرف نگه داشته است، همان‌طور که احتیاط فزاینده در میان مردم آمریکا در مورد نقش چندین دهه این کشور به‌عنوان یک پلیس جهانی. علاوه بر این، ظهور چین به‌عنوان یک میانجی در این معامله به‌عنوان یک ضربه مهم به رهبری جهانی ایالات متحده تلقی شده است. از دست دادن نقش سنتی خود به‌عنوان پلیس جهانی توسط ایالات متحده توسط افزایش نفوذ چین در منطقه تأکید شده است و نشانه کاهش قدرت سیاسی ایالات متحده در عرصه بین‌المللی است. در مقابل، نقش روبه‌رشد چین به‌عنوان یک رهبر جهانی، برخلاف تاریخ مداخله‌گرایی آمریکا، نشان‌دهنده تغییر بالقوه به سمت رویکرد دیپلماتیک‌تر برای حل مناقشه است. این امر نشان‌دهنده تغییر گارد در نظم منطقه خاورمیانه است و چین آماده است تا نقش مهمی را در شکل‌دهی نظم در این منطقه ایفا کند.

منابع فارسی:

۱. آلیسون، گراهام. (۲۰۱۷). جنگ محتوم. حاجی مینه، رحمت. عابدی، محمد. (۱۳۹۹). ابرار معاصر.
۲. جاگر سگوگ، اندرس. شولز، مایکل. سواین، اشوک. (۲۰۲۰). امنیت در خاورمیانه. آدمی، علی. (۱۴۰۰). ابرار معاصر.
۳. سلیمی، جلال الدین. زرگر، افشین. (۱۴۰۰). رویکردهای امنیتی دولت ترامپ در خاورمیانه با تأکید بر ناسیونالیسم اقتصادی. دانش تفسیر سیاسی سال سوم پاییز ۱۴۰۰ شماره ۹.
۴. عباسی نسب، حسین. (۱۴۰۰). ائتلاف‌های منطقه‌ای نظم جهانی آمریکا را به چالش کشیده است. ایرنا.
۵. نوری، علیرضا. (۱۳۹۹). چالش نظم هژمونیک، ثبات و موازنه در خاورمیانه؛ فرصت‌ها برای ایران و روسیه. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۱(۴)، ۷۷-۱۰۸. doi: ۱۰.۲۹۲۵۲/piaj.۲۰۲۰.۹۹۹۶۲
۶. کسینجر، هنری. (۱۳۹۶). نظم جهانی تاملی در ویژگی ملت‌ها و جریان تاریخ. حسینی، محمدتقی. انتشارات علمی فرهنگی.

منابع انگلیسی:

1. "NATO 2022 Strategic Concept," NATO. June 2022, <https://www.nato.int/strategic-concept/>.
2. Abdel Ghafar, Adel. (2022). SINO-GCC RELATIONS: PAST, PRESENT, AND FUTURE TRAJECTORIES. The Middle East Council on Global Affairs (ME Council). at: <https://mecouncil.org/publication/china-gcc-relations-past-present-and-future-trajectories-2/>

3. Abdel Ghafar, adel. (2022). SINO-GCC RELATIONS: PAST, PRESENT, AND FUTURE TRAJECTORIES. The Middle East Council on Global Affairs (ME Council). At: <https://mecouncil.org/publication/china-gcc-relations-past-present-and-future-trajectories-2/>
4. AlSharif, Farah. (2021). Qatar's defence ministry 'modernises' Al-Udeid Air Base in latest expansion project. Doha News. at: <https://dohanews.co/qatars-defence-ministry-modernises-al-udeid-air-base-in-latest-expansion-project/>
5. CFR. (2022). China's Approach to Global Governance. Council on Foreign Relations. At: <https://www.cfr.org/china-global-governance/>
6. Dalay, Galip. (2022). GREAT POWER COMPETITION IN THE MIDDLE EAST: A VISIONLESS CONTEST?. The Middle East Council on Global Affairs (ME Council). at: <https://mecouncil.org/publication/great-power-competition-in-the-middle-east-a-visionless-contest/>
7. Degang Sun & Yahia H. Zoubir (2021) Securing China's 'Latent Power': The Dragon's Anchorage in Djibouti, Journal of Contemporary China, 30:130, 677-692, DOI: 10.1080/10670564.2020.1852734
8. Farouk, Yasmine. (2019). The Middle East Strategic Alliance Has a Long Way To Go. Carnegie Endowment for International Peace. At: <https://carnegieendowment.org/2019/02/08/middle-east-strategic-alliance-has-long-way-to-go-pub-78317>
9. Freymann, Eyck. (2021). "Influence without Entanglement in the Middle East,". Foreign Policy. <https://foreignpolicy.com/2021/02/25/influence-without-entanglement-in-the-middle-east/>
10. Gambrell, Jon. Altman, Howard. (2022). US troops sheltered, fired Patriot missiles during Yemen Houthi attack on UAE. Militarytimes. at: <https://www.militarytimes.com/flashpoints/2022/02/01/us-military-fired-patriot-missiles-during-yemen-houthi-attack-on-uae/>
11. Hamzawy, Amr. (2023). The Potential Inroads and Pitfalls of China's Foray Into Middle East Diplomacy. Carnegie Endowment for International Peace. At: <https://carnegieendowment.org/2023/03/20/potential-inroads-and-pitfalls-of-china-s-foray-into-middle-east-diplomacy-pub-89316>
12. Hoffman, Jon. (2022). The Middle East and the Manipulation of Great Power Competition. the National Interest. at: <https://nationalinterest.org/feature/middle-east-and-manipulation-great-power-competition-202264>
13. IISS. (2021). Changing Alliance Structures. the International Institute for Strategic Studies (IISS). At: <https://www.iiss.org/research-paper/2021/12/changing-alliance-structures/>
14. Jeffrey Lewis. (2014). "Why Did Saudi Arabia Buy Chinese Missiles?,". Foreign Policy. <https://foreignpolicy.com/2014/01/30/why-did-saudi-arabia-buy-chinese-missiles/>
15. Kaylan, Melik. (2023). Why Did Saudi Arabia Re-Align Toward Iran And What It Means For Us All?. Forbes. At: <https://www.forbes.com/sites/melikkaylan/2023/04/13/why-did-saudi-arabia-re-align-toward-iran-and-what-it-means-for-us-all/?sh=2b93246a575>
16. Keiswetter, Allen L. (2018). Trump's national security strategy: implications for the Middle East, Middle East Institute. at: <https://www.mei.edu/publications/trumps-national-security-strategy-implications-middle-east>
17. Keyue, Xu. (2021). Mideast states back China's Xinjiang stance. Global Times. At: <https://>

www.globaltimes.cn/page/202103/1219498.shtml

18. Khan, Aamna. (2022). What Does Iran's Membership in the SCO Mean for the Region?. The Diplomat. At: <https://thediplomat.com/2022/09/what-does-irans-membership-in-the-sco-mean-for-the-region/>

19. Lee Myers, Steven and Amy Qin. (2021). Biden Has Angered China, and Beijing Is Pushing Back. New York Times, July 20. <https://www.nytimes.com/2021/07/20/world/asia/china-biden.html>.

20. Lehr, Deborah. (2023). China's shifting Middle East policy. ArabNews. At: <https://www.arabnews.com/node/2274256>

21. Malhas, Majeed. (2022). The US-China Trade War Is About to Hit the Middle East. Jacobin. At: <https://jacobin.com/2022/05/us-china-middle-east-regional-influence-capital-neoliberalism-global-trade-war>

22. Mearsheimer, J. (2001). The Tragedy of Great Power Politics. New York: W. W. Norton

23. Ministry of Foreign Affairs. the People's Republic of China. (2022). at: <https://www.fmprc.gov.cn/>

24. Moonakal, Nadeem Ahmed. (2022). The Impact and Implications of China's Growing Influence in the Middle East. The Diplomat. At: <https://thediplomat.com/2022/07/the-impact-and-implications-of-chinas-growing-influence-in-the-middle-east/>

25. Murphy, Dawn. Shichor, Yitzhak. Zulfikar Rakhmat, Muhammad. (2022). Ask the Experts: Is China's growing influence in the Middle East pushing out the United States?. London School of Economics and Political Science. At: <https://blogs.lse.ac.uk/cff/2022/12/05/ask-the-experts-is-chinas-growing-influence-in-the-middle-east-pushing-out-the-united-states/>

26. Parsi, Trita. Aljabri, Khalid. (2023). How China Became a Peacemaker in the Middle East. Foreign Affairs.

27. Phil Zachary Cohen, and Jeremy Herb. (2019). "Exclusive: US intel Shows Saudi Arabia Escalated Its Missile Program with Help from China, ". CNN. <https://edition.cnn.com/2019/06/05/politics/us-intelligence-saudi-arabia-ballistic-missile-china/index.html>;

28. Ryan, J.)2022(. Biden's National Security Strategy: America's Search for Order in the Middle East. United States of America. Retrieved from <https://policycommons.net/artifacts/3123770/bidens-national-security-strategy/3916965/> on 11 Apr 2023. CID: 20.500.12592/x7953j.

29. Satloff, Robert. (2022). Why Arab Allies Don't Trust the U.S. on Ukraine. The Wall Street Journal. at: <https://www.wsj.com/articles/arab-allies-dont-trust-the-us-ukraine-middle-east-resolve-russia-ukraine-arms-sales-saudi-arabia-uae-united-arab-emirates-libya-egypt-iraq-iran-nuclear-deal-jcpoa-2015-israel-11649446410>

30. SCFR. (2022). Aspects of China & the U.S. Competition in the Middle East Region. SCFR. At: <https://www.scfr.ir/en/politics/139820/aspects-of-china-the-u-s-competition-in-the-middle-east-region/>

31. Sun Degang. (2018). "China's Soft Military Presence in the Middle East," King Faisal Center for Research and Islamic Studies. <http://www.kfcris.com/pdf/07b46fba22562acf20bb92fb68f5ea5c5aaa11036d535.pdf>

32. W. Ford, Lindsey. Goldgeier, James. (2021). Retooling America's alliances to manage the China challenge. Brookings. At: <https://www.brookings.edu/research/retooling-americas-alliances-to-manage-the-china-challenge/>
33. YAFEI, HE. (2016). A New Phase of Globalization. China Internet Information Center. At: http://www.chinatoday.com.cn/english/report/2016-11/29/content_731570.htm
34. Zakaria, F. (1998). From wealth to power: the unusual origins of Americas world role. Princeton, NJ: Princeton university press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی